

## **Presenting a curriculum model based on paying attention to all subcultures in the curriculum system of the first year of high school in Iran**

### **Abstract**

This research has a dual purpose. First, the investigation of the current situation of paying attention to the components related to subcultures in the two elements of goals and content of the Iranian curriculum, and secondly, the design and validation of the model based on the perspective of the curriculum experts, in which it becomes the desired situation. The current research is applied as a goal and it is investigated and answered the research questions by using a combination of exploratory research methods. Since the nature of the research requires examining and analyzing the views, experiences and opinions of experts in the field of multicultural education, the phenomenological method was used. The research community included all the specialists in the field of multicultural education curriculum in universities, and in order to sample them, the purposeful sampling method based on snowball was used. Also, to collect information in the first question, the method of analyzing and reviewing related books was used, and in the second and fourth questions, the interview approach was used. In the findings section, the results obtained in the first question showed that attention to ethnic groups and cultures has the lowest place in the curriculum of the first year of secondary school. In the second question, all academic experts and professors acknowledged the importance of paying attention to subcultures in the curriculum. In this context, they expressed their views regarding the inclusion of educational goals, topics and content of the curriculum based on Iranian ethnicities and cultures as two elements of the program. They expressed a lesson, and based on their views, a model was designed for more attention and precision to this matter, which was recognized from the point of view of reliable experts.

**Key words:** curriculum planning, subcultures, first year of high school, phenomenology

## ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به همه خرده فرهنگها در نظام برنامه درسی دوره اول متوسطه ایران

ایوب روحی<sup>۱</sup>

فائزه ناطقی<sup>۲</sup>

نعمت اله عزیزی<sup>۳</sup>

مهناز جلالوندی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۹

### چکیده

این پژوهش هدف دو گانه دارد. نخست، بررسی وضعیت موجود توجه به مولفه های مربوط به خرده فرهنگها در دو عنصر اهداف و محتوای برنامه درسی ایران و دوم طراحی و اعتبار سنجی الگوی بر اساس دیدگاه متخصصان برنامه درسی که در آن تبدیل به وضع مطلوب بشود. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی می باشد و با استفاده از روش تحقیق ترکیبی از نوع اکتشافی به بررسی و پاسخگویی سئوالات پژوهش، پرداخته می شود. از آن جا که ماهیت پژوهش مستلزم بررسی و تحلیل دیدگاه ها، تجارب و نظرات صاحب نظران حوزه آموزش چندفرهنگی است، از روش پدیدارشناسی استفاده شد. جامعه پژوهش شامل تمامی متخصصان حوزه برنامه درسی آموزش چندفرهنگی در آموزش و پرورش در دانشگاه ها بود که به منظور نمونه گیری از آن ها، از روش نمونه گیری هدفمند مبتنی بر گلوله برفی استفاده شد. همچنین برای جمع آوری اطلاعات در سوال اول از روش تحلیل و بررسی کتابهای مربوط و در سوال دوم و چهارم از رویکرد مصاحبه، بهره گرفته شد. در بخش یافته ها، نتایج به دست آمده در سوال اول نشان داد که توجه به اقوام و فرهنگ ها در برنامه درسی دوره اول متوسطه کمترین جایگاه را دارد. در سوال دوم تمامی متخصصان و اساتید دانشگاهی بر توجه به خرده فرهنگها در برنامه درسی اذعان داشتند در این زمینه آنها دیدگاههای خود را در رابطه با لحاظ کردن اهداف آموزشی، موضوعات و محتوای برنامه درسی مبتنی بر اقوام و فرهنگ های ایرانی به عنوان دو عنصر برنامه درسی بیان کردند و بر اساس دیدگاههای آنها الگوی برای توجه و دقت بیشتر به این مهم طراحی شده که از منظر متخصصان معتبر تشخیص داده شد.

**کلمات کلیدی:** برنامه ریزی درسی، خرده فرهنگها، دوره اول متوسطه، پدیدارشناسی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه برنامه ریزی درسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. AYUBROUHI@GMAIL.COM

<sup>۲</sup> دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول) fn1345@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. nematollah.azizi@gmail.com

## مقدمه

آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان ناگزیر است در کنار ارائه دانشهای تخصصی، به دانش آموزان کمک کند که دانش و مهارتهایی را برای دستیابی به تعاملات فرهنگی موفق کسب کنند. از جمله رسالتهای اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چند فرهنگی، آموزش حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگیهای چند فرهنگی است (شکاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۹).

ضرورت تدوین و طراحی برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگهای ایران به دلیل وجود اقوام، مذاهب، فرهنگ ها و زبان های متفاوت به عنوان یک اصل در جامعه چند فرهنگی و متکثر مطرح و لازم است. اهمیت نظری این مقاله در این نکته است تا ضمن بررسی وضعیت موجود و جایگاه فرهنگ های ایرانی در برنامه درسی، یک الگوی مطلوب را برای آن ارائه نماید و به لحاظ کاربردی بتواند زمینه ارائه این الگو را در نظام تعلیم و تربیت رسمی پیشنهاد نماید.

ایران از گروههای فرهنگی، زبانی و تاریخی و قومی غیر از فرهنگ غالب شکل گرفته است. این گروههای فرهنگی متفاوت، بر آند به طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند و البته سهمی در آموزش و پرورش رسمی کشور داشته باشند و بیاموزند. هدف این مقاله این است که چه الگویی مناسبی در برنامه درسی باید طراحی و اجرا شود تا پوشش دهنده همه مشخصه های فرهنگ های ایرانی در تعلیم و تربیت باشد.

تنوع و تکثر جامعه ایران در ابعاد مختلف قومی، نژادی و فرهنگی مستلزم آن است که به نحوی شایسته و مقتضی در برنامه های درسی و آموزشی مورد توجه قرار بگیرد. بر این اساس و در نگاه اول باید مشخص شود سهم فرهنگ های ایرانی در آموزش و پرورش رسمی ایران چه اندازه است تا در نگاه دوم یک برنامه و الگوی پیشنهادی برای توجه بیشتر به فرهنگهای ایرانی در آموزش و پرورش آورده شود.

## پیشینه تحقیق

بسیاری از صاحب نظران تربیت را مقوله ای زمینه مند دانسته که در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل گرفته و نیز به طور متقابل اثر می بخشد. مطالعات اخیر در باب رابطه میان آموزش و فرهنگ نشان می دهد که میان آن دو یک رابطه دو سویه برقرار است. به طوری که برخی فرهنگ را محصول یک فرایند بین نسلی آموزش قلمداد نموده و از طرف دیگر فرایند آموزش را نیز متأثر از نظام معنایی ارزشها و هنجارهای موجود در یک جامعه محسوب نموده اند.

اهداف اساسی و مهم برنامه درسی بر اساس توجه به فرهنگها اغلب مشخص و معین اند. اما برخی آن را بسیط و برخی خلاصه تر بیان نموده اند. از میان این صاحب نظران، دیویدمن (۱۹۹۷) اهداف برنامه درسی بر اساس فرهنگهای متفاوت رابه موارد اساسی زیرمحدود می کند: برابری آموزشی، ارزشگذاری فرهنگی، طراحی محتوایی دانش، معرفی و ارائه عامل های یادگیری، دانش گسترده در باره گروه های مختلف قومی و فرهنگی و درک مفاهیم بین فرهنگی بین گروهی، بین قومی در کلاس، مدرسه و جامعه. به نظر میشل (۲۰۰۷). ارائه برنامه درسی بر اساس توجه به همه فرهنگ های داخل یک کشور حداقل به سبب برآورده ساختن چهار هدف زیرصورت میگیرد؛ الف) برای درمان نژادپرستی

درباره‌نامه‌های درسی) ب) برای ایجاد تفاهم بین گروه‌های نژادی وارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف ج) (برای خنثی کردن تنش‌ها و تعارضات درون گروهی) د) تلفیق و مرتبط ساختن بر نامه‌های درسی با تجارب و سنت‌های افراد و گروه‌های مختلف افراد و نژادها). بنکس (۲۰۱۰)، یکی دیگر از پیشگامان برنامه درسی چند فرهنگی آموزشی، آن را یک دیدگاه پیشرو برای آموزش و پرورش می‌داند که بر پایه آرمان‌های عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌های آموزشی و به حداکثر رساندن توانمندی یادگیرندگان استوار بوده و به طور کل نگران کاستی‌ها، شکست‌ها و اعمال تبعیض‌گرایانه‌ای است که در جامعه جهانی وجود دارد. وی هدف اصلی آن را تاثیر بر تغییرات اجتماعی و راه رسیدن به این هدف را فرایندی و در بردارنده سه نوع تغییر می‌داند: ایجاد تغییر در خود، ایجاد تغییر در نحوه آموزش و ایجاد تغییر در جامعه.

نتیجه پژوهش‌ها در خصوص تعامل بین قومی در ایران قابل تامل است. یافته‌های حسین بر (۱۳۸۹) نشان می‌دهد ارتباط میان برخی اقوام کشور با یکدیگر بسیار ضعیف است. به طور مثال اقوام اذری، بلوچ، طالش و عرب تقریباً اطلاعات موثری از همدیگر نداشته و به همین سبب ارتباط زیادی نیز با یکدیگر برقرار نمی‌کنند. یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها مانند پژوهش مرادپور، نادری و سیف نراقی در سال ۱۳۹۶ موبد این نتیجه هستند که موضوع فرهنگ‌های متفاوت در طراحی برنامه درسی رسمی تا اندازه زیادی مغفول واقع شده است. البته این کم توجهی خاص برنامه‌های درسی نیست و در اسناد بالادستی و قوانین آموزشی کشور نیز آن طور که بایسته است به این مسئله توجه نشده است. صحت این ادعا را می‌توان در نتایج پژوهش‌های که توسط حمیدی‌زاده، ملکی، شیرینی و شیرینی که در سال ۱۳۹۲، در ارومیه انجام شده است، مشاهده نمود که نتایج حاکی از ضعف شدید در توجه به برنامه درسی چند فرهنگی را نشان می‌دهد. در پژوهش دیگری که با عنوان آموزش چند فرهنگی در کتاب‌های درسی فارسی دوره آموزش ابتدایی ایران توسط هواس بیگی، صادقی، ملکی و قادری در سال ۹۷ انجام شده است، تحلیل محتوای کیفی کتاب‌ها نشان می‌دهد که تنها ردپای فرهنگ مسلط در کتاب‌های درسی به چشم می‌خورد. نظام آموزشی همچنان به دنبال پیاده سازی الگوی همسان سازی فرهنگی است که منجر به قتل زبان‌ها و فرهنگ‌های اقوام ایرانی می‌شود.

پرفسور نیتو، در این حوزه بر ضرورت بسط و توسعه مفهوم تعلیم و تربیت چند فرهنگی، آگاهی از روش‌های سازمان دادن و طراحی برنامه درسی چند فرهنگی، کاوش انواع رویکردها برای طراحی و پی ریزی فعالیت‌های یادگیری چند فرهنگی، آشنایی گسترده با انواع منابع در برنامه درسی چند فرهنگی، کاربرد انواع رویکردهای چند فرهنگی در تدریس و توسعه برنامه درسی چند فرهنگی تاکید می‌کند (Nieto, 2002). بر اساس پیشینه نظر و تعریف، برنامه درسی به عنوان یک سند سیاسی اجتماعی موظف است ارزشها، باورها، توجه به زبان و خط، تاریخ، مذاهب، هنر و دیگر عامل‌های متفاوت اجتماعی را در جامعه کلی منعکس سازد. شواهد نشان دهنده این واقعیت است که برنامه درسی رسمی در ایران در انعکاس این موضوع مناسب عمل ننموده است. نگارنده می‌خواهد ضمن وضوح بخشیدن به ابعاد این کم توجهی به صورت علمی و مستند زمینه‌ی ارائه‌ی الگویی جهت طراحی برنامه‌های درسی مطلوب در این ارتباط فراهم نماید.

روش شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی می‌باشد و با استفاده از روش تحقیق ترکیبی از نوع اکتشافی به بررسی و پاسخگویی سئوالات پژوهش، پرداخته می‌شود. در پژوهش‌های ترکیبی از نوع اکتشافی ابتدا داده‌های کیفی جمع

آوری و تحلیل می شوند و ازداده های کیفی برای تهیه ابزار پژوهش کمی استفاده می شود و سپس به گردآوری و تحلیل داده های کمی پرداخته می شود و در نهایت، یک تفسیر و جمع بندی کلی از نتایج هر دو روش در قالب یک مطالعه صورت می گیرد. این طرح از لحاظ زمانی به صورت متوالی و از نظر وزن نیز بیشتر متوجه مرحله اول است و داده ها هم از طریق تحلیل داده های کیفی و به عنوان ابزاری در هنگام جمع آوری داده های کمی به یکدیگر مرتبط می گردد (کرسول، ۲۰۱۲).

### شیوه و مراحل اجرای پژوهش:

جدول شماره ۱ گام های اجرای پژوهش

گامها	فعالیت ها
۱ گام اول بررسی و تحلیل محتوای کتابهای انتخاب شده	- بررسی و تحلیل اسناد بالادستی - گردآوری و بیان نکات، محتوا، عکسها و نمادها در درس - تجزیه و تحلیل داده های حاصل از بررسی تحلیل محتوا
۲ گام دوم: انتخاب متخصصان و اساتید مرتبط با فعالیت در حوزه برنامه درسی چند فرهنگی	- تدوین مولفه ها و ویژگی های برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها - تدوین سوالات مصاحبه و انجام کار کیفی - اجرای مصاحبه با نمونه آماری در راستای مطلوبیت برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها - گردآوری اطلاعات حاصل از مصاحبه با متخصصان - تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها - جمع آوری اطلاعات کیفی
۳ گام سوم: تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه نتایج و یافته های پژوهش و تدوین الگو	- تجزیه و تحلیل داده ها - ارائه نتایج و یافته های پژوهش - تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه نتایج و یافته های پژوهش و تدوین الگو - تدوین الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها برای دوره متوسطه اول
۴ گام چهارم: اعتبار سنجی الگوی برنامه درسی بر اساس توجه به خرده فرهنگها	- اجرای مصاحبه مرتبط با اعتبارسنجی الگو بر اساس خصایص و ویژگیهای عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی به منظور اعتبارسنجی - ارائه نتایج اعتبار سنجی

یافته ها:

سوال اول: وضعیت موجود توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟  
برای بررسی این موضوع کل محتوای کتابهای درسی تفکر و سبک زندگی، فارسی، فرهنگ و هنر و مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه که به لحاظ موضوعی و محتوایی ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق دارند مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره ۲: تحلیل محتوای کتاب های درسی (متن، عکس، تمرین) براساس میزان توجه به خرده فرهنگ ها

مواد درسی	موضوعات	متن	عکس	تمرین
فارسی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۴۱	۳۹	۳۶
	مباحث متفرقه	۱۵۱	۷۸	۸۳
فرهنگ و هنر (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۲	۱	۰
	مباحث متفرقه	۲۵۰	۱۱۷	۱۰۸
مطالعات اجتماعی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۲	۱	۰
	مباحث متفرقه	۲۸۵	۱۳۷	۱۵۲
تفکر و سبک زندگی (هر سه پایه)	مولفه های مربوط به خرده فرهنگ ها	۰	۰	۰
	مباحث متفرقه	۱۰۴	۵۷	۵۹

داده های درج شده در جدول شماره ۲ نشان می دهد، که در محتوای دروسی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، کمترین توجهی به مباحث مربوط به خرده فرهنگهای ایرانی را نشان نمی دهد و همه مباحث و موضوعات مطرح شده در قالب نگاه کلی و مباحث متفرقه به اهداف و محتوای برنامه درسی می باشد. به طور مثال در دروس فرهنگ و هنر، مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی در مجموع هر سه پایه تحصیلی کمترین نگاهی به مسائل فرهنگی و هنری، تاریخ و جغرافیا، خصیصه اجتماعی و سبک زندگی اقوام ایرانی نمی شود.

سوال دوم. وضعیت مطلوب توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

برای بررسی و پاسخ دادن به این سوال پژوهش و به منظور جمع آوری نظرات شرکت کنندگان از نمونه گیری هدفمند استفاده شد؛ نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری (نقطه ای در تحقیقات کیفی است که نشان دهنده کفایت داده های گردآوری شده جهت تحلیل و ارائه گزارش نهایی است) ادامه یافت و در نهایت با دوازده نفر از متخصصان مطالعات برنامه درسی مصاحبه بعمل آمد. در ادامه نتایج حاصل از مصاحبه های صورت گرفته ذکر شده است.

جدول شماره ۳- کد گذاری ویژگیها و عناصر استخراجی در بعد هدف و محتوا از نظر مصاحبه شوندگان

وی ژ گی	عناصر استخراج شده از مصاحبه ها
تجرباتی	<p>۱. سازماندهی اهداف و محتوا با اهمیت به برنامه درسی چند زبانی- ۲. توجه دروسی با عنوان زبان مادری برای مناطق مختلف</p> <p>۳. با توجه تعامل زبان مادری در کنار زبان رسمی جامعه</p>
تئوریک	<p>۴. سازماندهی اهداف و محتوا با توجه به: توسعه تفکر، توانمند سازی و ارتقای هویت قومی ۵. با توجه برجسته ساختن و به تصویر کشیدن آرمانها، ایدالها و انتظارات اجتماعی ۶. با توجه به پیشینه ی فرهنگی دانش آموزان ۷. با نگرش و برخورد مثبت با تنوع فرهنگی، قومی و زبانی ۸. با توجه به هنجارها و ارزشهای متنوع گروههای قومی ۹. همراه با نگرش و برخورد مثبت با گروههای قومی و فرهنگی ۱۰. با توجه بر وجود و پذیرش اقوام ۱۱. با توجه جایگاه اقوام ایرانی در رشد و توسعه کشور</p> <p>۱۲. با توجه به مبارزات، سلحشوریها و نمود واقعی اقوام ۱۳. بر اساس همکاری و مشارکت تمامی دانش آموزان ۱۴. مبتنی بر اداب و رسوم و عقاید اجتماعی همه اقوام و ملتها ۱۵. با تعامل درون فرهنگی و برون فرهنگی سالم میان دانش آموزان ۱۶. با توجه به فرهنگ و تمدن اقوام ۱۷. با توجه مسئله هویت قومی ۱۸. با توجه مولفه خود آگاهی قومی ۱۹. با توجه حفظ سرمایه های قومی ۲۰. با توجه شناخت آگاهی از اقوام مختلف ایرانی ۲۱. با توجه سبک های تغذیه اقوام و غذای های محلی</p>

<p>۲۵. با توجه زمینه تحمل و احترام به دین ، مذاهب و عقاید دیگر</p> <p>۲۶. با توجه به مولفه های دینی بر مبنای دین و مذهب اقوام</p> <p>۲۷. با توجه به مبانی دینی اقلیتهای دینی در قالب کتاب مشخص</p>	<p>۲۲.سازماندهی اهداف و محتوا با توجه به برنامه درسی مذاهب</p> <p>۲۳. با توجه به تحکیم وحدت و همبستگی ملی و تقریب مذاهب</p> <p>۲۴. با توجه فرصتهای یادگیری بر مبنای عقاید و باورهای دینی</p>	دین
<p>۳۷. با توجه به ارزشهای درونی مانند عزت نفس، نقد و انتقاد پذیری، مسئولیت و پاسخگویی</p> <p>۳۸. با توجه به اداب و رسوم مراسمات شادی و ازدواج و عروسی هر کدام از اقوام بر مبنای پیشینه</p> <p>۳۹. با توجه به انواع مختلف غذاهای اقوام و ارزش غذایی آنها</p> <p>۴۰. با توجه به انواع مختلف لباسها و طرز پوشش هر کدام از اقوام.</p> <p>۴۱. با توجه به مراسمات عزاداری و فلسفه برگزاری هر کدام از آنها برای هر یک از اقوام</p> <p>۴۲. با توجه به احترام به حقوق شهروندی در حوزه های مربوط به اقتصاد ، شغل ، سیاست و..</p>	<p>۲۸.سازماندهی اهداف و محتوا با توجه به اداب و رسوم همه اقوام</p> <p>۲۹. با توجه به واقعیات محیطی اقوام و فرهنگ های مختلف</p> <p>۳۰. با توجه به بازشناسی، حفظ و گسترش تاریخ هنر و فرهنگ اقوام</p> <p>۳۱. با توجه به ایجاد فرصتهای ابراز وجود در زمینه های داستان ، سرود، نمایش های قومی و بیان ان</p> <p>۳۲. با توجه به آموزش مهارتهای پژوهش ارزشها و باورهای اجتماعی</p> <p>۳۳. با توجه به مراسمات ملی و قومی و میهنی</p> <p>۳۴. با توجه به پیوند عاطفی نسلها</p> <p>۳۵. با توجه به مراسمات ازدواج اقوام</p> <p>۳۶. با توجه به تعریف تفاوتهای فرهنگی به عنوان یک ظرفیت</p>	ارزشها و باورهای اجتماعی
<p>۴۸. با توجه به تعاملات درونگروهی و بین فرهنگی در قالب هنر</p> <p>۴۹. با توجه به گروههای فرهنگی و قومی و مراسم های میهنی آنها</p> <p>۵۰. با توجه به معرفی پوشش های مختلف اقوام ایرانی</p> <p>۵۱. با توجه به وجه به صنعت گردشگری و اکولوژی آنها</p> <p>۵۲. با توجه به بازی های محلی اقوام</p>	<p>۴۳.سازماندهی اهداف و محتوا با توجه به صنایع دستی و هنر های نمایشی</p> <p>۴۴. با توجه به شعر، آواز، رقص و موسیقی و سازهای محلی</p> <p>۴۵. با توجه به تعریف، نمود، جایگاه و ویژگی های رقص محلی</p> <p>۴۶. توجه به هنر و زیبایی شناسی با تکیه به موضوعات محلی</p> <p>۴۷. با توجه به توانمندی اقوام مختلف در زمینه هنر و زیبایی شناسی</p>	هنر و فرهنگ



۵۳. سازماندهی اهداف و محتوا با توجه به مکان و زمان دو عنصر مهم در زندگی اقوام ایرانی	۵۹. با توجه به اقوام در مسیر زمان، تاریخ زندگی آنها، مبارزات و جنگهای آنها در دفاع از سرزمین
۵۴. با توجه به تاریخ و جغرافیای اقوام و فرهنگ های ایران	۶۰. با توجه به آشنایی با طوایف و قبیله ها و تاریخ معیشت آنها
۵۵. با توجه به جغرافیای اقلیمی، فرهنگی و سیاسی اقوام	۶۱. با توجه به جغرافیای سرزمینی هر یک از اقوام
۵۶. با توجه به تاریخ شعر و ادبیات محلی	۶۲. با توجه به تاریخ دانشنامه مشاهیر اقوام ایرانی و نقش آنها را در دوران خود
۵۷. با توجه به اقوام و نقش ان در رشد و توسعه منطقه و کشور	۶۳. با توجه به چگونگی اسکان اقوام مختلف در نواحی جغرافیایی
۵۸. با توجه به میراث تاریخی، تمدن، بناها و سنگ نوشته ها و غارها	

سوال سوم: چه الگویی به منظور کاهش فاصله بین دو سطح موجود و مطلوب توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرد فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) قابل ارائه است؟

برای تحلیل یافته های حاصل از سوال سوم پژوهش از رویکرد تحلیل مضمون بهره گرفته شد. یافته های حاصل از این سؤال و سؤالات فرعی مرتبط با آن بعد از حذف کدهای مشترک (۱۲۵ کد اولیه) و تغییر، ادغام و یا اصلاح کدهای مفهومی که بیانگر دیدگاه اساتید دانشگاهی بود تحت سه عنوان کلی مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر به شرح زیر انتخاب و توصیف گردیدند:

مضامین پایه:

مضامین پایه منتخب از نکات کلیدی مشتمل بر ۲۱ مضمون است. ۱. مطالعات فرهنگی و توجه به تفاوتها، ۲. گفتمان دینی و توجه به تفاوتها، ۳. متن نگری شامل خواندن، تفسیر و نقد، ۴. تربیت شهروند انتقادی، ۵. دستیابی به خود آفرینندگی، ۶. ساخت شکنی و گفتمان سازنده، ۷. دانایی محوری، تفکر انتقادی، ۸. ایجاد روحیه علمی و پژوهشگری، ۹. بها دادن به دادن دانش عملی، ۱۰. حفظ سنت های دیرینه زبان، ۱۱. توجه به فرهنگ عمومی، ۱۲. ارتقا خود آگاهی قومی، ۱۳. حفظ سرمایه های قومی، ۱۴. تحکیم مبانی ارزشی، شناخت اجتماعی، ۱۵. شسبیه سازی مباحث فرهنگی و اجتماعی، ۱۶. هویت یابی، ۱۷- تحکیم شناخت تاریخی و جغرافیای، ۱۸. توجه به نیازها و ظرفیتهای بومی، ۱۹. یادگیری چندگانه مانند هنر و کیفی نگری، ۲۰. ارتباطات گسترده ما بین یادگیرنده و منبع یادگیری، ۲۱. محدود نشدن به چارچوب های ارزشی از قبل تعیین شده

مضامین سازمان دهنده:

مضامین سازمان دهنده استخراج شده از مضامین پایه پس از بررسی و مرتب شدن در ۴ گروه از مضامین سازمان دهنده دسته بندی شدند و شامل موارد زیر می باشند:

تاکید بر گفتمان دانش، ۲. ایجاد شرایط برقراری دموکراسی، ۳. انتقال میراث فرهنگی، ۴. یادگیری اقتضایی و موقعیتی. مضمون فراگیر:

برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگهای ایرانی به عنوان مضمون فراگیر شناخته شد. در جدول شماره ۴ مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و در نمودار شماره ۱ شبکه مضامین مربوط به پدیده مورد مطالعه ترسیم شده است.

جدول شماره ۴- ویژگی های اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها و اقوام ایرانی

مضمون اصلی	کد محور ی	کدهای باز	بیان مفاهیم و عبارات
برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگهای ایرانی (اهداف و محتوا)	تاکید بر گفتمان دانش	توجه به فرهنگ عمومی،	مجموعه منسجم و نظام یافته ای از اهداف، ارزشها، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت
		مطالعات فرهنگی و توجه به تفاوتها،	مطالعات فرهنگی عرصه ای بین رشته ای می باشد که در آن روابط بین قدرت و فرهنگ می تواند از چشم اندازهای رشته های علمی مختلف مورد بررسی قرار گیرد
		گفتمان دینی و توجه به تفاوتها،	گفتمان دینی این است که به فراگیران فرصت می دهد تا در محیط آموزشی شکایات و سوالات دینی خود را مطرح کند.
		متن نگری شامل خواندن، تفسیر و نقد	متن چگونه اعمال قدرت می کند. این نشانه قدرت متن، زمینه یادگیری پایدار است
	ایجاد شرایط برقراری دموکراسی	تربیت شهروند انتقادی،	هدف یک کار مورد احترام است، اعلام می شود که هدفها را می توان از یک راه دیگر، به شکلی بهتر به دست آورد.
		دستیابی به خود آفرینندگی،	خلاقیت اساسی ترین قابلیت و توانایی انسان و عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد زندگی وی نقش حیاتی ایفا می کند. و به عنوان رسالت تعلیم و تربیت تلقی می شود.
		ساخت شکنی و گفتمان سازنده	گفتمان سازنده به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است
		دانایی محوری، تفکر انتقادی	دلنمایی محوری یعنی تلاش در درست لندیشیدن فرایندهای ذهنی اعم از تشخیص، تحلیل و ارزیابی داده ها است.

ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها در نظام برنامه درسی دوره اول متوسطه ایران

	ایجاد روحیه علمی و پژوهشگری	روحیه علمی با مؤلفه هایی چون کنجکاوی، ژرف نگری، پرسشگری، وسعت دید، روحیه تسامح، تمایل به تفکر خلاق از طریق آموزش قلیل انتقال می باشد.
	بها دادن به دادن دانش عملی،	می توان به درک متفاوتی از رابطه نظر و عمل در آگاهی اجتماعی رسید و مسائل و موضوعات و چالشهای دنیای معاصر را توضیح داد.
انتقال میراث فرهنگی،	حفظ سنت های دیرینه زبان	در جامعه ی چند زبانی، صداهاى مختلفى وجود دارد که باید به همه آنها توجه شود،
	ارتقا خود آگاهی قومی	خودآگاهی به خود در رابطه با مردمی که با آنها پیوند قومی و نژادی دارد
	حفظ سرمایه های قومی	سرمایه اجتماعی اقوام را می توان منبع بالقوه جامعه برای توسعه اجتماعی دانست.
	تحکیم مبانی ارزشی، شناخت اجتماعی	با پدیده‌هایی همچون نگرش، دریافت، پردازش اطلاعات، همانند دانستن، خودشناسی، داوری، تصمیم‌گیری، علت‌یابی رفتار و دیگر پدیده‌های شناختی سر و کار دارد
	شبیه سازی مباحث فرهنگی و اجتماعی	شبیه سازی ها، بدین منظور استفاده می شوند که برای یادگیرنده امکان دسترسی به تجربه های یادگیری در زندگی واقعی را فراهم می آورند.
یادگیری اقتضایی و موقعیتی	هویت یابی	هویت با ارزش‌های ابتدایی مرتبط است و سبب شکل‌گیری انتخاب‌هایش می‌شود.
	تحکیم شناخت تاریخی و جغرافیای	شناخت تاریخی و جغرافیایی انتقال دهنده فرهنگ و تاریخ و ادبیات یک منطقه است.
	توجه به نیازها و ظرفیتهای بومی	توجه به ظرفیتهای بومی علاوه بر سازگاری بیشتر برنامه درسی با نیازهای بومی، منجر به موفقیت برنامه درسی در مرحله اجرا نیز می شود.
	یادگیری چندگانه مانند هنر و کیفی نگری	آموزش زیبایی شناختی، تواناساختن فراگیران به بیان ادراکات، و ایده های خود از راه شکل‌دهی مواردی نظیر: نقاشی، سفال، نگارش، موسیقی، و حرکات بدنی است.
	ارتباطات گسترده ما بین یادگیرنده و منبع یادگیری،	گسترش روزافزون علم و شاخه‌های آن ایجاب می‌کند آموزش به جای تأکید بر یاد گرفتن «چه چیز»، «چگونه» یاد گرفتن را آموزش دهد
محدود نشدن به چارچوب های ارزشی	حوزه‌های نوین اشاره به دانشی دارد که بیش از یک زمینه محض دانشی را مطالعه می‌کند.	

مفهوم گفتمان، تلاشی معرفت شناسانه برای پرهیز از به کار بردن مفهوم اجتماع به منزله‌ی یک پدیده‌ی تماماً منسجم و کاملاً تحت سیطره‌ی مرکزیت واحد است. از منظر مصاحبه شونده‌گان توجه به این مهم است که برنامه درسی محلی برای گفتمان‌ها و مباحث عمومی جامعه در قالب‌های مختلف و نمایانگر واقعیت‌های اجتماعی باشد.

#### ۲) ایجاد شرایط برقراری دموکراسی

رسالت آموزش و پرورش در راستای تحقق اهداف متعالی بشریت در رسیدن به جامعه‌ای بر اساس خواست همه ملت می‌باشد. با توجه به اهمیت عنصر مردم سالاری در جامعه، اکثریت مصاحبه شونده‌گان بر اهمیت این موضوع به عنوان یکی از کارکردهای نظام تعلیم و تربیت تأکید داشته‌اند.

#### ۳) انتقال میراث فرهنگی:

امروزه آموزش می‌تواند، با دقت بسیار شکل و ظاهر میراث کهن را به دست آورد و داده‌های بسیاری را از شیوه زندگی گذشتگان ارائه کند. بیشترین خطری که میراث فرهنگی و تاریخ بومی مناطق را تهدید می‌کند، عدم توجه به آن از سوی سیاستگذاران آموزشی می‌باشد. با این تحلیل تأکید کاملی از سوی مصاحبه شونده‌گان وجود دارد، تا در اهداف برنامه درسی به میراث فرهنگی اقوام ایرانی توجه شود.

#### ۴) یادگیری اقتضایی و موقعیتی،

در واقع اصل مطلب در یادگیری موقعیتی، خلق معنا از فعالیت‌های واقعی زندگی روزمره می‌باشد. با توجه به بررسی متنی از مصاحبه‌ها، روشن است که نگاه مصاحبه شونده‌گان متوجه یادگیری اقتضایی و بر اساس توجه به تفاوت در برنامه درسی است.



نمودار شماره ۱ شبکه مضامین مربوط به پدیده مورد مطالعه

الگوی طراحی شده بیانگر آن است، که اهداف و محتوای برنامه های آموزشی و درسی را باید از پیشینه، ظرفیت، توانمندی اقوام در بطن جامعه چندفرهنگی گرفته شود. برنامه درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها، یعنی برنامه درسی که برای مردم و جامعه و در خدمت رشد و بازسازی و رهایی بخشی می باشد. غایت این رویکرد تخصصی در برنامه درسی، منجر به تربیت یادگیرنده نقاد و روشنگر خواهد شد. در این شرایط است که اصول تخصصی برنامه درسی از جمله اصل انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، اصل توجه به نیازهای فراگیر، اصل مربوط به آینده نگری و غیره تحقق خواهد یافت.

۴- میزان اعتبارالگوی مطلوب پیشنهادی توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟  
 داده های بدست آمده از مصاحبه با صاحب نظران نشان داد، اهداف و محتوای انتخاب شده برای برنامه ی درسی مبتنی بر توجه به خرده فرهنگها مطلوب هستند و الگوی پیشنهادی را به عنوان نقطه شروع برنامه درسی غیر

متمرکز، هویتی جدید در برنامه درسی و گامی رو به جلو برای همسان سازی و عدالت آموزشی در نظام آموزشی می دانند.

در ادامه نظرات اساتید به صورت توصیف و بیان عبارات آورده می شود.

«از آنجایی که رسالت نظام آموزشی توجه به جایگاه والای افراد در جامعه می باشد، باید بستر لازم را برای رسیدن به یادگیری فراهم آورد. استفاده از الگوهای جدید در برنامه درسی، از راههای رسیدن به عدالت آموزشی می باشد که

این الگو تا حد زیادی این امکان را فراهم می سازد» مصاحبه شونده شماره ۱

«آموزش و پرورش ایران نیاز به یک الگوی جدید اجرایی دارد که در آن به همه ملت به یک اندازه پرداخته شود.

اهداف مطرح شده در این الگو بیانگر کثرت گرایی نیست بلکه توجه به همه دانش آموزان می باشد و مناسب ارزیابی

می شود.» مصاحبه شونده شماره ۲

«الگوهای برنامه درسی که حاصل پژوهش های کیفی می باشد، با توجه به شناخت جمعیتی در ایران مناسب میباشد.

اما این حرکت نیازمند تغییر در سیاستگذاری آموزشی و نگاه منعطف در برنامه درسی می باشد. این الگو مناسب می

باشد اما ضمانت اجرایی ندارد.» مصاحبه شونده شماره ۳

«با مطالعه مضامین مطرح در این الگو بر اهمیت این حوزه در برنامه درسی چند فرهنگی بیشتر پی برده ام و اجرای آن

را لازم می دانم. این الگو شاید بتواند نیازهای آموزشی جامعه ما را برطرف سازد» مصاحبه شونده شماره ۴

«عدالت آموزشی از طریق برنامه درسی فراگیر اتفاق می افتد. برنامه درسی بر اساس همه فرهنگها ضروری می باشد.

استفاده از الگو برنامه درسی برای اجرا مفید به نظر می رسد» مصاحبه شونده شماره ۵

«با درک این مسئله که اهداف و محتوای برنامه درسی برخاسته از نیاز جامعه و نیاز فراگیران باشد. این الگو را مبتنی

بر نیاز بخش بزرگی از جامعه ایران می دانم که می تواند به عنوان یک جایگزین به شمار بیاید.» مصاحبه شونده شماره

۶

«با مطالعه این الگو به این نتیجه رسیدم که برای صاحب نظران مهم است که از تمرکز کم شود و به فرهنگ های ایرانی

باید پرداخته شود. این الگو با تغییراتی در ان رویکردی جدید به آموزش و پرورش باشد.» مصاحبه شونده شماره ۷

«حوزه های مغفول برنامه درسی ایران گسترده است. پتانسیل بسیار زیادی هم برای پرداختن به واقعیتها وجود دارد.

لازم است به ظرفیتها در آموزش و برنامه درسی توجه شود. این الگو بعضی از حوزه های مغفول برنامه درسی را

پوشش داده و ظرفیتها را هم به نحوی معرفی نموده است» مصاحبه شونده شماره ۸

«استفاده از این الگو حوزه های مغفول و پنهان برنامه درسی ایران را روشن می سازد. رویکرد نظام آموزش و

پرورش ما حوزه های زیادی دارد که یکی از آنها چند فرهنگی می باشد. این الگو با تغییراتی در بعد محتوا یکی از

الگوهای مناسب برای اجرا می باشد.» مصاحبه شونده شماره ۹

«اهداف و محتوای که در این الگو تدوین شده است، نشان دهنده توجه دقیق به اهمیت برنامه درسی در جامعه چند

فرهنگی ایران است. این الگو می تواند بعضی از کاستیهای نظام حال حاضر ایران را پوشش دهد و به عنوان رویکردی

نو در آموزش و پرورش به شمار آید» مصاحبه شونده شماره ۱۰

«مضامین سازماندهنده این الگو نشان دهنده ضروریات و نیاز آموزشی یادگیرندگان است. اگر چه می توانست حوزه

های دیگری را در برگیرد، اما این الگو را تا حدی مناسب می دانم» مصاحبه شونده شماره ۱۱

«. باید توجه داشت که جامعه برای تداوم حیات خود باید تفاوت‌های افکار، ارزش‌ها و هنجارها را در نظر گیرد که آموزش باید آن را از طریق الگوهای جدید تأمین کند. این الگو می‌تواند حیطه‌های از آن را شامل بشود» مصاحبه شونده شماره ۱۲

پژوهش حاضر با هدف طراحی اهداف و محتوا و همچنین ویژگی های الگوی برنامه درسی مبتنی بر توجه به فرهنگ های ایرانی برای دوره اول متوسطه صورت گرفت. بعد از ترسیم ویژگی های الگو، نتایج نشان داد که برنامه درسی طراحی شده از منظر اساتید این حوزه از اعتبار مناسبی برخوردار است. در این راستا بررسی ها نشان می دهد که پژوهش های انجام شده در این حوزه، زیاد طراحی نشده و ضعف پژوهش و یا عدم توجه به این حوزه محسوس است و با عنوان حیطة مغفول تحقیقات آموزش و پرورش به شمار می رود. در این الگو فارغ از هدف نهایی آن که توجه، شناخت و باز نشر عناصر فرهنگی در ایران می باشد، به اهداف جزئی و رفتاری آن برای جامعه هدف نیز پرداخته شده است. بر این اساس تحقق اهداف تعلیم و تربیت را در حیطة توجه به فرهنگها را محقق می سازد. پاسخ به سوال اول:

وضعیت موجود توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است.

در بررسی شرایط حاکم بر کتابهای درسی دوره اول متوسطه، در بعد اهداف و محتوا، سیطره و حاکمیت یک برنامه درسی همگانی که اصولاً نسبت به تفاوت ها و تنوعات ذاتی جامعه ایران خنثی و بی تفاوت می باشد، مشاهده گردید. کاملاً روشن است که این سبک سیاستگذاری آموزشی بیش از هر چیز با مقتضیات و واقعیات عینی و تاریخی این جامعه در تعارض می باشد. از این رو، وجود یک برنامه درسی چند فرهنگی حساس و پاسخگو نسبت به تفاوت های قومیتی در نظام آموزشی ایران به عنوان یک حوزه مغفول مطرح است که می تواند عامل مهم تثبیت و تشدید بسیاری از شکاف ها و بحران های اجتماعی، فرهنگی و هویتی در کشور گردد. در مسیر برنامه درسی بر اساس توجه به همه قومیتها و فرهنگها، باید ابعاد و کارکرد های مختلف آن مشخص گردد و بر مبنای آن تلفیق و امتزاج عناصر، مفاهیم، مطالب و محتواهای چند فرهنگی با برنامه های درسی دانش آموزان مورد تاکید قرار داده شود.

نتایج بدست آمده از سوال اول پژوهش نشان می دهد، توجه به مقوله ها و مولفه های مربوط به خرده فرهنگ های ایرانی کمترین جایگاه را در اهداف و محتوای برنامه درسی دارد. اهداف و محتوای برنامه درسی کاملاً در موضوعات کلی و بر اساس ساختار جامعه تک فرهنگی و مسلط می باشد. نتایج بدست آمده در این پژوهش به طور کامل همسان و موازی با نتایج تحقیقات دیگر در این حوزه مانند تحقیق علیرضا عراقیه و کوروش فتحی واجارگاه (۱۳۹۷)، حمیدی زاده، ملکی، شیری و شیری در سال (۱۳۹۲)، وفائی و سبحانی نژاد (۱۳۹۵)، می باشد.

با توجه به تحلیل و بررسی ها از متون، تمرینات، عکس و تصاویر از کتابهای درسی در دوره اول متوسطه، علی رغم اینکه اهداف و محتوای برنامه درسی با توجه به خرده فرهنگها، در رشد و پرورش قابلیت ها و استعداد های دانش آموزان نقشی اساسی دارد. این مقوله کمترین جایگاه را در برنامه درسی نظام آموزشی دارد و با توجه به تعریف آیزنر از اقسام برنامه درسی به عنوان برنامه درسی رسمی، غیر رسمی و پوچ، این مقوله به عنوان برنامه درسی پوچ نظام آموزشی تلقی می شود. یعنی اینکه برنامه درسی مورد مغفول واقع شده است. غفلت از برنامه درسی در حوزه خرده فرهنگها، چه به شکل مغرضانه و چه در صورتی که مورد بی توجهی صرف سیاستگذاران باشد، کاملاً قابل انتقاد است. برنامه درسی اساساً یک سند اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مقوله ای حساس به فرهنگ است و در صورتی



اثربخش خواهد بود که عناصر تشکیل دهنده آن با ویژگی‌های فرهنگی جامعه و به تبع آن با ویژگی‌های فرهنگی یادگیرنده سازگار و متناسب باشد.

پاسخ به سوال دوم:

وضعیت مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

ایران به عنوان جامعه‌ای دارای قومیت‌های مختلف در حال گذر یا در حال توسعه است و در این میان اغلب دانش‌آموزان و به ویژه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول با فاصله گرفتن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود الگوی مناسب در زمینه عدم تبیین ارزش‌مندی قومیت‌ها و نقش آن‌ها در شکل‌گیری هویت ملی دچار تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی هستند و خود را سرگردان می‌بینند. در چنین شرایطی است که نابسامانی اجتماعی نیز زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت، سرخوردگی، احساس برتری، احساس حقارت، بی‌تعهدی، هنجارشکنی، احساس عدم مسئولیت در مقابل سایر قومیت‌ها و نارضایتی پدید می‌آورد. برای تعریف مطلوب برنامه درسی، از صاحب‌نظران برنامه درسی مصاحبه به عمل آمد که در زمینه توجه برنامه درسی به قومیت‌ها ایرانی اشتراک نظر داشتند. در این زمینه فهرستی از موارد مربوط به برنامه درسی چند فرهنگی تنظیم گردید که مولفه های مطرح، با تحقیقات دیگر از جمله پژوهش هواس بیگی، صادقی و دیگران در سال ۱۳۹۶ و همچنین پژوهش احمدی و صادقی در سال ۱۳۹۴ همخوانی کاملی دارد. دستیابی به برنامه درسی مطلوب، نیازمند شناخت همه جانبه اقوام ایرانی در حوزه زبان، فرهنگ، هنر، تاریخ و جغرافیا، دین و آیین آنها می باشد.

پاسخ به سوال سوم

چه الگویی به منظور کاهش فاصله بین دو سطح موجود و مطلوب توجه به ویژگی‌های «زبانی، قومیتی، دینی، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگ‌های ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) قابل ارائه است؟

محتوای برنامه درسی باید ناظر بر هدف‌ها باشد و ریشه در فرهنگ و ارزش‌های جامعه داشته باشد. در انتخاب محتوا باید ضمن بهره گرفتن از منابع معتبر، باید مفاهیم اصلی و پایه خود را از بطن اجتماع، نیازهای یادگیرنده، نیازهای اجتماع و آینده نگری جامعه بگیرد، در واقع محتوای برنامه درسی بر اساس توجه به خرده فرهنگ‌ها باید بر آمده از جامعه و برای جامعه باشد. بر این اساس با توجه به اصل اعتبار به عنوان یکی از اصول انتخاب محتوا لزوم بازنگری کلیه محتواهای برنامه درسی چند فرهنگی مرتبط با مسایل اجتماعی و وقایع جاری بیش از پیش مورد انتظار است.

الگوی پیشنهادی که در سه حوزه دانش، توانش و نگرش تدوین شده، هر یک از اهداف نشان دهنده جنبه ای خاص از کارکردهای مختلف اهداف برنامه درسی بر اساس توجه به خرده فرهنگ‌هاست. بر اساس یافته های تحقیق فراگیران باید توانایی ارزیابی سنت‌ها و آداب و اعتقادات، دانش شناخت و تحکیم هویت قومی و ملی، دانش اجتماع چند فرهنگی، دانش زبانی، دانش مذاهب توحیدی، دانش مکانی و تاریخی، دانش هنری، معرفت چند فرهنگی، شناخت هنجارهای اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی، شناخت خصوصیات قومیتی، شناخت تکالیف و مسئولیت پذیری را کسب کنند.

برنامه درسی باید مهارت زندگی در جامعه چند فرهنگی، مهارت حل مسئله، مهارت جغرافیایی و تاریخی مکانهای مختلف، مهارت صلح و دوستی، مهارت زبانی، مهارتهای هنری، مهارتهای شهروندی، مهارتهای آگاهی قومی و همچنین مهارتهای لازم زندگی از جمله مهارتهای ارتباطی، مهارت تصمیم گیری و تفکر، خود آگاهی، مشارکت و همکاری مفید برای جامعه را آموزش دهد.

برنامه درسی باید، موضوعاتی مانند درک ارزشهای اخلاقی و احترام به هویت چند فرهنگی، درک جامعه هدفمند مبتنی بر تفاوتهای فرهنگی، نگرشی چند گانه از یک دانش خاص، نگرش حساسیت نسبت به مسائل محیطی، نگرش همزیستی مسالمت آمیز، نگرش های نژادی، نگرش عدم محدود شدن به چارچوب های ارزشی، و نگرش زیبایی شناسانه آموزش داده شود.

درون مایه اصلی این الگو پرداختن جامع به همه فرهنگ ها و اقوام جامعه ایران در آموزش و پرورش بر اساس هدف نهایی آن می باشد، در این زمینه شاخص ها و ابعاد کلی الگو با دیگر تحقیقات کیفی برنامه درسی مانند تحقیق جمال مرادپور و عزت الله نادری که در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است، تا حدودی تناسب دارد. برنامه ریزی درسی بر چگونگی تعلیم و تربیت دانش آموزان تأثیر گذار است. عدم توجه به پتانسیل های آموزشی، محدودیت در قانون گذاری، کم توجهی نسبت به انتقال محتوا، فلسفه محافظه کارانه و همچنین نگاه مهندسی شده به آموزش و برنامه درسی و عدم دسترسی به محتوای آموزشی استاندارد برای همه دانش آموزان ایرانی، مدیریت رفتار دانش آموزان و آینده فکری آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. جلب مشارکت و حمایت همه قشرهای اجتماع در سیاست گذاری و توجه به بستر فرهنگی جامعه هدف، باید توسط طراحان برنامه درسی و مدارس مورد توجه باشد.

پاسخ به سوال چهارم

اعتبار الگوی مطلوب پیشنهادی توجه به ویژگیهای «زبانی، قومیتی، دینی، ارزشها و باورهای اجتماعی، هنری و تاریخی» خرده فرهنگهای ایرانی در برنامه های درسی دوره اول متوسطه ایران (اهداف، محتوا) چگونه است؟

الگوی پیشنهادی یک مدل علمی پژوهشی برای سیاستگذاران برنامه درسی است که با توجه به مغفول ماندن این حوزه بتواند در طراحی و تدوین اهداف و محتوا با نگرش جدید اقدام نماید. واقعیت این است فرایند آموزش در بستر توجه به همه فرهنگها امری پیچیده و از حوزه های مختلف تاثیر می پذیرد. چرا که پرداختن به این امر به موارد زیادی از جمله تغییر در ساختارهای سیاسی، نگاه و تفکر معلمان، توجه به نقش برنامه درسی پنهان، در نظر گرفتن برنامه درسی پوچ، داشتن نظام آموزشی غیر متمرکز، توجه به نقش و جایگاه نهادهای مختلف اجتماعی و خصوصا غیر دولتی و مراکز علمی، رسانه ها و بسیاری دیگر از حوزه ها بستگی دارد. در واقع این بستر نیازمند داشتن نگرشی جدید و نوعی هماهنگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تفکر علمی می باشد.

در روش های آموزش بر مبنای توجه به همه فرهنگها در کشور دونکته حائز اهمیت است. نخست آنکه حتی الامکان از روش های متنوع در همه مراحل برنامه درسی از جمله اهداف و محتوا استفاده شود و به صرف یک روش خاص یا از پیش مهندسی شده استفاده نگردد. دوم آنکه روش های آموزشی نباید مبتنی بر تحمیل و اجبار باشد. بلکه باید نظام آموزشی در مرحله تدوین اهداف و محتوا باید از حالت متمرکز خارج شود و وارد نظام سازگاران شود. یعنی اهداف و محتوای برنامه درسی باید سازگار با ویژگی های فرهنگی مناطق باشد.

کارکرد برنامه درسی با توجه به اقوام، مواجهه با مسأله و تحقق وحدت و همبستگی ملی با استفاده از ظرفیت برنامه درسی در زمینه تقویت اشتراکات اقوام ایرانی می باشد. رویکرد این راهبرد که با نگاه اتحاد، همدلی و صمیمیت است، می تواند به روایت‌ها و نقل قول‌های بدون ساختار و غیرموثق در مورد قومیت‌های مختلف کشور سرسامان داده و در نهایت برنامه درسی در زمینه جایگاه قومیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد. این هدف مستلزم برنامه راهبردی و مدون در زمینه قومیت‌ها در وزارت آموزش و پرورش بوده و در صورت تدوین آن و استفاده مطلوب از برنامه درسی زمینه تعامل و تقویت مشترکات اقوام افزایش یافته و در نهایت وحدت، همبستگی ملی و هویت ملی تحقق خواهد یافت.

در این پژوهش ضرورت‌های توجه به برنامه درسی متناسب با اقوام بیان شد. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت چند فرهنگی و پذیرش آن، روی آوردن به الگوهای متناسب برنامه درسی در نظام آموزشی ایران به دلیل برخورداری از مشخصه‌های جامعه چند فرهنگی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در جمع بندی این مطلب می توان گفت که الگوی طراحی شده در این پژوهش می تواند آنچه را که امروز در نظام آموزشی جریان دارد و حیطه های را مورد بی توجهی قرار داده است، بازنمایی و روشن سازد و می توان این الگو را گامی نو در تحول مطالعات برنامه درسی و توجه به آموزش بر مبنای توجه به همه اقوام ایران قلمداد نمود.

## منابع:

- حمیدی زاده، کتایون، ملکی، حسن، شیری، محمد و شیری فاطمه. ۱۳۹۲، بررسی جایگاه برنامه درسی چند فرهنگی در کتاب های درسی ادبیات، تاریخ و علوم اجتماعی دوره راهنمایی سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱. همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی، ارومیه
- رحمانی، عذرا، فقیهی، علیرضا، حسینی مهر، علی و سرمدی، محمد رضا. ۱۳۹۵. اعتبار سنجی مولفه های آموزش چند فرهنگی برای طرح در دوره ابتدایی. فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۷(۴)، ۲۳۳-۲۵۰
- صادقی، علیرضا، ۱۳۸۹. بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چند فرهنگی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵(۱۸)، ۲۱۵-۱۹۰
- صادقی، علیرضا، ۱۳۹۱. ویژگی ها و ضرورت های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالشها و ارائه راهبردها. فصلنامه راهبرد و فرهنگ. ۵(۱۸-۱۷)، ۱۲۱-۹۳
- عبدلی سلطان احمدی، جواد، ۱۳۹۳. بررسی نسبت مولفه های آموزش چند فرهنگی در دروس فارسی و علوم اجتماعی از دیدگاه متخصصان و کارشناسان برنامه ریزی درسی و معلمان ذی ربط به منظور طراحی الگوی مناسب در زمینه یاد شده، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- عراقیه، علیرضا و فتحی واجارگاه، کورش ۱۳۹۱. جایگاه چند فرهنگی در آموزش چند مدرسه ای و آموزش عالی. فصلنامه راهبرد و فرهنگ، ۵(۱۸-۱۷)، ۲۰۴-۱۸۷
- مرادپور، جمال، نادری، عزت اله و عصاره، علیرضا، ۱۳۹۹، طراحی الگوی تلفیقی برنامه درسی دوره متوسطه اول و اعتبارسنجی آن از منظر متخصصان برنامه درسی و دبیران ذیربط، پنجمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی، تهران
- مکرونی، گلاره و بلند همتان، کیوان. ۱۳۹۳، آموزش چند فرهنگی در کتاب های درسی دوره ابتدایی. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲۱)، ۷۳-۹۲
- وفایی، رضا و سبحانی نژاد، مهدی، ۱۳۹۴. مولفه ای آموزش چند فرهنگی و تحلیل آن در محتوای کتب درسی. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۳(۵)، ۱۱۱-۱۲۸.

- Banks, J. A. & Banks, C. A. M., (2010) *Multicultural Education: Issues and Perspectives* (7th ed.), New York: John Wiley.
- Banks, J. A. (1993). *Multicultural Education: Development, Dimensions, and Challenges*. *The Phi Delta Kappan*, 75(1), 22-28.
- Bloemraad, I. (2007). *Unity IN Diversity? Bridging Models of Multiculturalism and Immigrant Integration*. *Du Bois Review*, 4(2), 317-336.
- Brown, L. (2013). *An Immigration History of Britain: Multicultural Racism* by Panikos Panayi. *English Historical Review*, 128, 225 – 227.
- Eisner E. W. (1994). *The Educational Imagination: on the Design and Evaluation of School Programs*. Third end , New York : Macmillan College Publishing Company
- Gay, G. (2006). *The importance of multicultural education*. New York: Teachers College Press.
- Jenks, C., Lee, J. O., and Kanpol, B. (2001). *Approaches to Multicultural Education in Preservice Teacher Education: Philosophical Frameworks and Models for Teaching*. *Human Sciences Press the Urban Review*, 33(2), 87 – 105.
- Nieto, S., & Bode, P. (2008). *Affirming diversity: The sociopolitical context of multicultural education* (5th Ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Supriadi, D. (1999). *Restructuring the Schoolbook Provision System in Indonesia: Some Recent Initiatives*. *Education Policy Analysis Archives*, 7(7).